

آغاز فلسفه در جهان اسلام

درس

۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ❖
آموزش درس نهم فلسفه پایه دوازدهم ❖
مدرس: سید رحیم موسوی نسب ❖
استان خوزستان - اهواز ❖

آغاز فلسفه در جهان اسلام

درس
۹

هدف کلی

توانایی تبیین عوامل رشد و شکوفایی فلسفه در جهان اسلام

اهداف جزئی

- بیان عوامل توجه اولیه مسلمانان به فلسفه
- توضیح درباره تأثیر قرآن و سیره پیامبر اکرم و اهل بیت در رشد تفکر عقلی و فلسفی
- بیان جایگاه فارابی در رشد تفکر فلسفی

آغاز فلسفه در جهان اسلام

• زمینه‌های رشد فلسفه

زمینه اول: دعوت قرآن کریم و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خردورزی

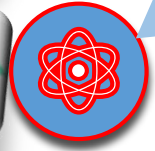
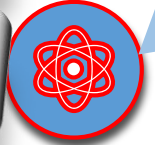
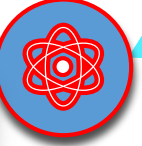
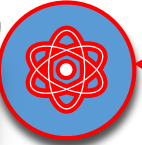
زمینه دوم: گسترش مباحث اعتقادی میان مسلمانان

زمینه سوم: نهضت ترجمه متون

حکمای مشاء

مقام علمی و فلسفی فارابی

فلسفه سیاسی فارابی





حیات عقلی = حیات
فلسفی

ابویوسف یعقوب بن
اسحاق کندی

۱۳ قرن

اولین فیلسوف

ورود فلسفه به
جهان اسلام

حیات عقلی

تعریف

حضور عقلانیت و احترام
به عقل

از نتیجه توجه

حیات علمی

حیات فلسفی

چگونگی شکل گیری حیات عقلی

توجه مردم به عقل و تفکر و اندیشه

عقلانیت جزء فرهنگ عمومی شود

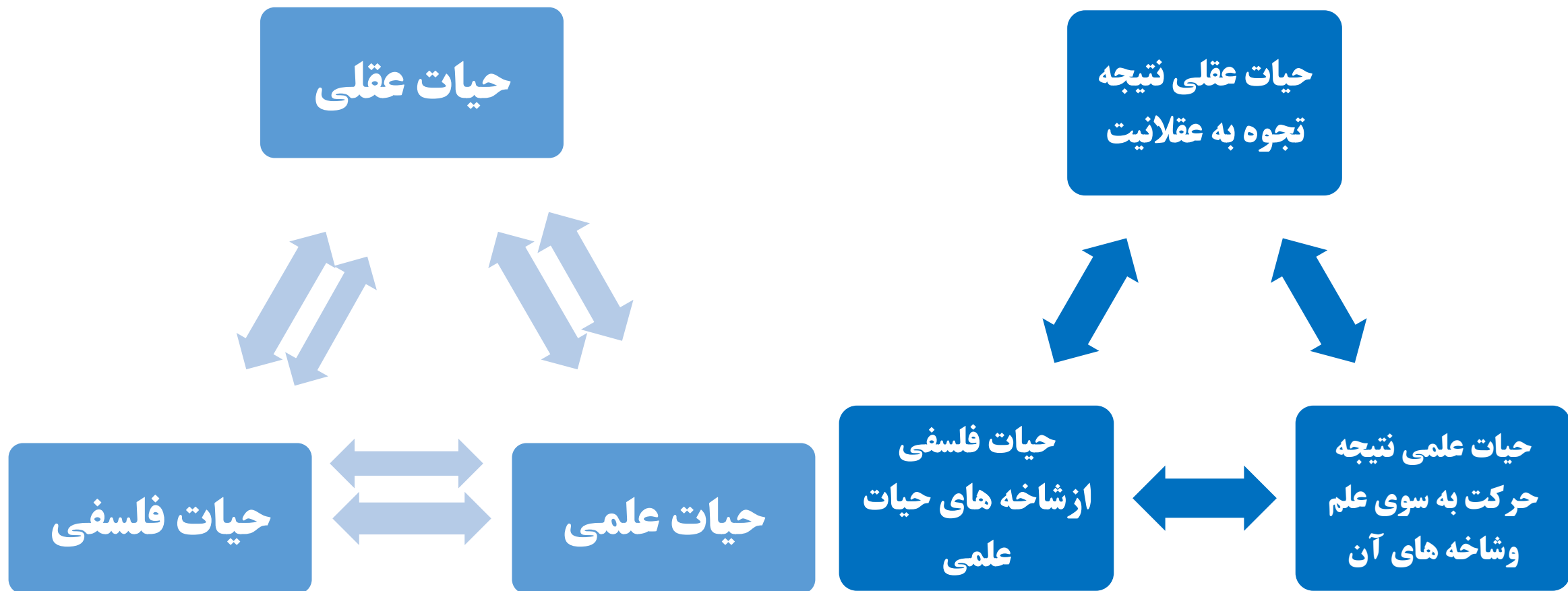


چگونگی شکل گیری حیات علمی و فلسفی

نتیجه توجه به عقل و فکر

باعث حرکت به سوی علم و شاخه
های آن (از جمله فلسفه) یعنی
پدیدار شدن حیات علمی

رابطه حیات عقلی با حیات علمی و فلسفی (گرچه حیات عقلی مقدم است اما هر سه برهم تاثیر می گذارند)



• **زمینه اول:** دعوت قرآن و پیامبر (ص) به خردورزی

• **زمینه دوم:** گسترش مباحث اعتقادی میان مسلمانان

• **زمینه سوم:** نهضت ترجمه متون

زمینه های رشد فلسفه

برخی از عوامل زمینه ساز برای ایجاد حیات عقلی در قرآن و گفتار و رفتار پیامبر (ص)

ارزش قائل شدن برای
اصل تفکر و خردورزی

تکریم علم بعنوان ثمره
تفکر و خردورزی

تکریم و احترام پیوسته
عالمان و دانشمندان

دعوت به یادگیری علوم
دیگر ملت ها

مذمت پیوسته نادانی
و جهل

طرح مباحث علمی و عقلی
و فلسفی و به بکارگیری
شیوه های مختلف استدلال

حیات تعقلی مسلمانان

تشبیه: زمین آماده و حاصلخیز

حیات علمی

رشد هر درخت دانش

زمان: با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی

پایه گذاران :
قرآن کریم و پیامبر (ص)

فراهم شدن فرصت تفکر و اندیشه ورزی
برای مردم

ظهور اسلام زمینه ساز حیات عقلی

حیات تعقلی مسلمانان با ظهور اسلام
و تشکیل جامعه اسلامی آغاز شد

اولین شرط رشد و شکوفایی علم، فراهم
نمودن زمینه آن است، وجود حیات عقلی
در یک جامعه و حضور عقلانیت و احترام به
عقل، همان فراهم کردن زمینه مناسب برای
رشد آن علم است.

زمینه دوم: گسترش مباحث اعتقادی میان مسلمانان

روش بحث عقلی استدلالی

در مسائلی مانند: اثبات وجود خدا، صفات خداوند، ضرورت معاد

پس: حیات عقلی به حیات فلسفی انجامید

گسترش بحث و گفتگو میان مسلمانان

جنس مباحث فلسفی

سبب ظهور دانشمندی
متبحر در مسائل اعتقادی

زمینه سوم: نهضت ترجمه متون

زمان: قرن دوم

منحصر به فلسفه نبود

نتیجه: فراگیری معارف پیشینان

شامل: منطق، نجوم، ریاضیات، طب

**تأثیر در فلسفه: سامان بخشیدن به فلسفه فیلسوفان
بزرگ یونانی در نظام فلسفی نوین**

**دراثر آن: کتابهای فراوانی به زبانهای
یونانی، پهلوی، هندی، سریانی ترجمه شد**

سامان بخشی نظام
فلسفی نوین

نقد و بررسی
آراء حکیمان یونان

بر خور داری نظام
فلسفی نوین از آراء
افلاطون و ارسطو

چگونه نهضت
ترجمه زمینه ساز
رشد فلسفه
در جهان اسلام شد

آشنایی با متون فلسفی
و علمی

ظهور دانشمندان
متبحر در مسائل اعتقادی

گسترش نهضت ترجمه

نتیجه زمینه سازی
برای ایجاد حیات عقلی

تربیت دانشمندانی که در مسائل
اعتقادی تبحر داشتند و از استدلال عقلی
استفاده می کردند

آغاز بحث و گفتگوی عقلی در مسائل
اعتقادی از همان عصر پیامبر (ص)

نتیجه زمینه سازی برای ایجاد حیات
عقلی (ظهور اندیشمندان متبحر
در مسائل اعتقادی)

آشنایی مسلمانان با آراء فیلسوفان
یونان، سامان دهی نظام نوین فلسفی
در نتیجه نقد آراء آنان، در ضمن
برخورداری آراء افلاطون و ارسطو

ترجمه کتابهای فراوان از زبانهای
مختلف و در رشته های متفاوت

نتیجه زمینه سازی برای
ایجاد حیات عقلی
(نتیجه نهضت ترجمه)

فارابی وابن سینا
بزرگترین فیلسوفان
مشائی (استدلال‌ها را با ظرافت موشکافی کردند)

اتکاء به آرای
ارسطو (موسس اول حکمت مشاء)

توجه به قیاس برهانی
چون ارسطو در مباحث
فلسفی به آن توجه
می‌کرد.

ظهور حکمت مشاء

(به معنی راه رونده)

داشتن سرشتی کاملاً
استدلالی
(استدلال عقلی قیاسی)



الگو گرفتن از ارسطو

صورت استدلالی



ویژگی و شاخصه
حکمت مشاء

جهانی شود عقلانی

رساندن نفس
خویش به کمال

مستعد رسیدن
به سعادت نهائی

تعریف حکمت
از نظر فیلسوف
مشائی

فنی استدلالی
وفکری

مقام علمی و فلسفی فارابی

شناخت نقطه مشترک اندیشه های
افلاطون و ارسطو و ارائه آن
در کتاب الجمع بین رای الحکیمین

آشنا به آراء فلاسفه یونان
بخصوص افلاطون و ارسطو

سرآمد روزگار در فلسفه
استاد در حقوق، نجوم
وسیاست (نزدیک به افلاطون)
ویزشکی

شرح دقیق و آشکار نمودن نکات
پیچیده نظرات ارسطو در کتاب
«اغراض ارسطوفی مابعدالطبیعه»

نظریه پرداز فلسفه سیاسی

ملقب به معلم ثانی
به دلیل عرضه نظام فلسفی
جدید (که برگرفته از تعالیم اسلام
و نظرات فلاسفه یونان بود)

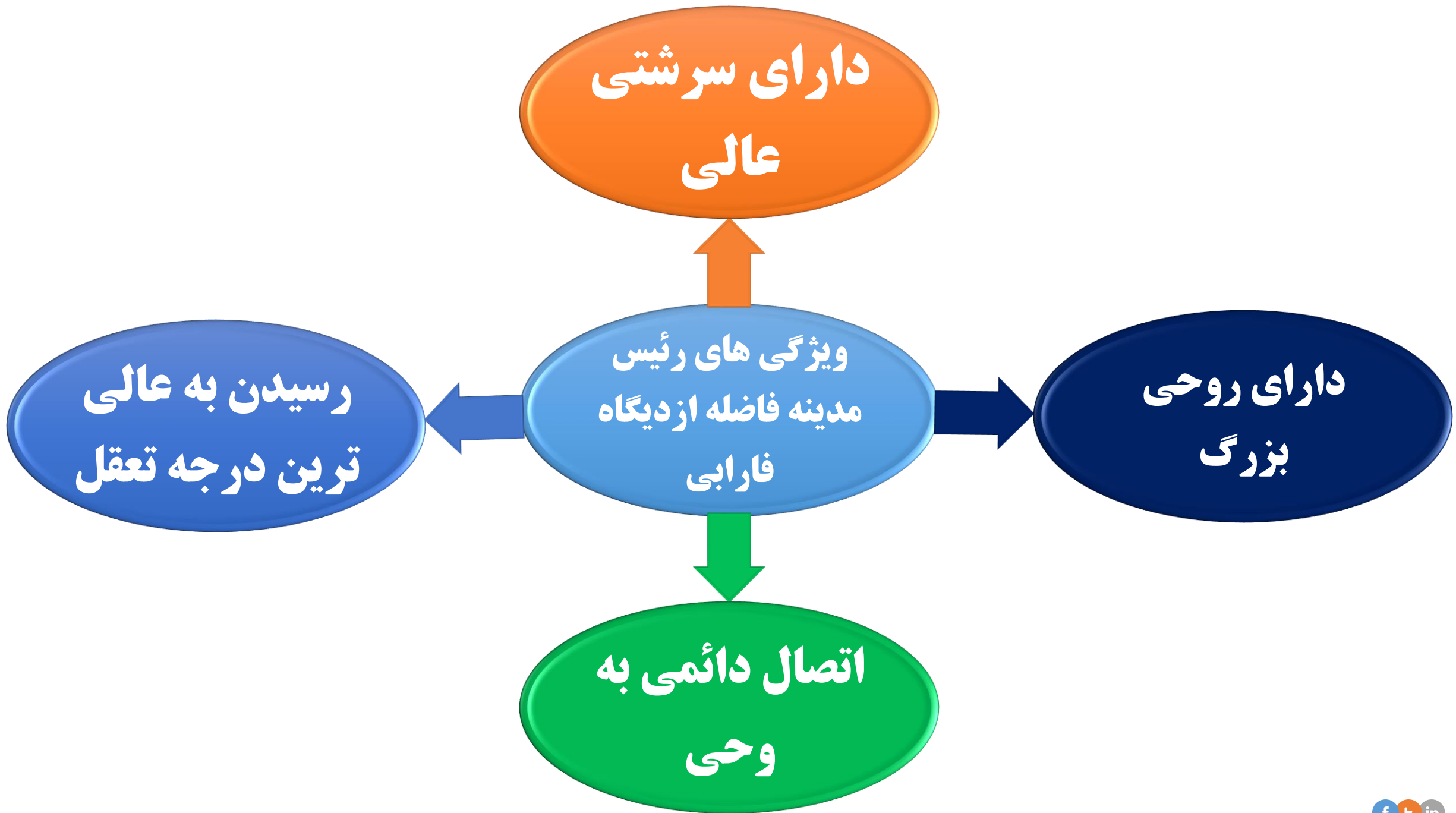
فلسفه سیاسی فارابی

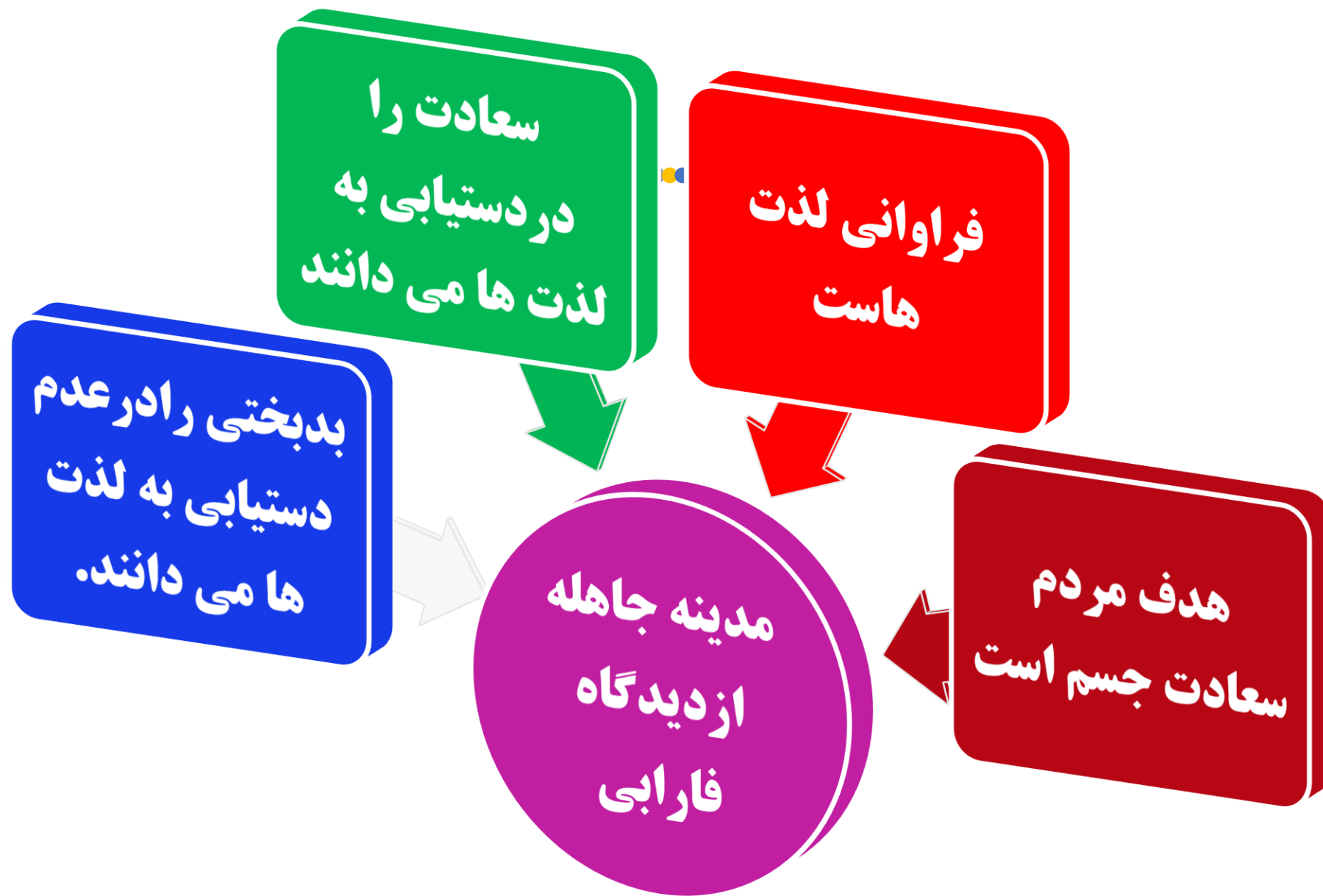
مدینه فاضله: بهترین مدینه، مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضائی آراسته اند که مدینه را به سوی سعادت می برد چنین جامعه ای «مدینه فاضله» است

دیدگاه فارابی: معتقد بود انسان مدنی باطبع است و سعادت او در گرو زندگی اجتماعی است

رئیس: جامعه برای رسیدن به سعادت به یک رئیس آگاه به حقایق نیاز دارد این رئیس به وسیله اتصال دائم به وحی بالاترین درجه تفکر را دارد

در نتیجه رئیس مدینه فاضله باید پیامبر یا جانشینان او باشند





خلاصه مطالب درس

۱- حیات عقلی از ابتدای ظهور اسلام وجود داشته و زمینه رشد حیات علمی، از جمله حیات فلسفی را فراهم کرد

۲- زمینه های رشد فلسفه: زمینه اول: دعوت قرآن کریم و پیامبر اکرم (ص) به خردورزی

زمینه دوم: گسترش مباحث اعتقادی (که از جنس مباحث فلسفی بودند) میان مسلمانان

زمینه سوم: نهضت ترجمه متون: از قرن دوم شروع شد و کتابهای فراوانی در زمینه های مختلف از جمله فلسفه ترجمه شد که باعث

آشنایی مسلمان با دانش فلاسفه یونان و نقد و بررسی آنها شد در نتیجه این نقد، نظام فلسفی نوینی سامان بخشیدند

۳- حکمای مشاء: فارابی و ابن سینا بزرگترین حکمای مشاء هستند

در ابتدا سرشت فلسفه اسلامی کاملاً استدلالی و مبتنی بر آراء ارسطو بود. ویژگی و شاخصه حکمت مشائی: صورت استدلالی والگو

گرفتن از ارسطو است.

فارابی معلم ثانی: بنیان گذار حکمت مشاء در جهان اسلام فارابی است. در فلسفه سرآمد اهل زمانش بود. در فلسفه سیاست نظریه

پرداز بود با وجود اینکه با اهل سیاست معاشرت نداشت و مقام سیاسی نپذیرفت

برخی آثارش (الجمع مابین رای الحکیمین: ارائه نقاط مشترک اندیشه افلاطون و ارسطو) (اغراض ارسطو فی کتاب مابعد الطبیعه:

شرح نظرات ارسطو بادقت و توانایی بالا و بیان نکات پیچیده آن)

تشبیه بدن انسان سالم به مدینه فاضله

انسان رامدنی بالطبع می دانست (یعنی از جهت فطرت و طبع خود به جامعه و زندگی اجتماعی گرایش داشته و می خواهد باهم

نوعان خود زندگی کند)

بنابراین انسان برای رسیدن به سعادت و کمال به زندگی در جامعه و مدینه نیاز دارد

بهترین مدینه، مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول هستند و به فضائلی آراسته اند که مجموعه مدینه را به سوی سعادت می

برد

ریاست بر مدینه فاضله را باید کسی بر عهده گیرد که دارای روحی بزرگ و سرشتی عالی و متصل به وحی و دارای عالی ترین درجات

تعقل باشد



باتشکر

از توجه شما